

مقدمه

تبشیر در مسیحیت، یکی از رویکردهایی است که فرقه‌های مختلف، با استفاده از ابزارها و آموزه‌های منحصر به فرد خود، به آن پرداخته و به دنبال گسترش پیروان خود هستند. یکی از فرقه‌های تبشیرمحور، پنطیکاستالیسم (Pentecostalism) و یا جنبش پنطیکاستی است که با وجود اینکه کمتر از ۱۱۵ سال از شکل‌گیری آن می‌گذرد، یکی از فعال‌ترین فرقه‌های تبشیری محسوب می‌شود، به گونه‌ای که تعداد طرفداران این جنبش، ظرف همین مدت کم، به حدود ششصد میلیون نفر در سراسر دنیا رسیده است (لوگو، ۲۰۱۱، ص ۶۹).

تأکید زیاد بر روح‌القدس، نقش محوری او و عطایای منتسب به او در امر تبشیر، شاخصه اصلی جنبش پنطیکاستی محسوب می‌شود. از این رو، این تحقیق پس از بیان مختصری از تاریخچه جنبش پنطیکاستی و نقش روح‌القدس و عطایای منتسب به او، به معرفی عطیه تکلم به زبان‌ها، به عنوان یکی از مهم‌ترین ابزارهای تبلیغی پنطیکاستی‌ها پرداخته و سپس، نقد و بررسی این عطیه، براساس آموزه‌های کتاب مقدس می‌پردازد.

در رابطه با بررسی، نقد و پژوهش آموزه‌ها و تعالیم جنبش پنطیکاستی، تاکنون کار مدونی صورت نگرفته است و تقریباً هیچ منبع فارسی در این زمینه وجود ندارد. این نوشتار درصدد است با بررسی منابع پنطیکاستی‌ها و احصاء مطالب موردنیاز، تحقیقی در این زمینه صورت داده و در نهایت، با ارجاع به کتاب مقدس، تحلیلی از آموزه تکلم به زبان‌ها ارائه دهد و به نقد آن پردازد.

سؤالاتی که در این پژوهش مورد بررسی قرار می‌گیرد، عبارت است از:

نقش روح‌القدس و عطایای او در جنبش پنطیکاستی چیست؟

این آموزه چه نقشی در تبشیر پنطیکاستی دارد؟

آموزه تکلم به زبان‌ها به چه معناست؟

آیا این آموزه منشأ کتاب مقدسی دارد؟

نقدهای کتاب مقدسی مرتبط با این آموزه کدامند؟

پنطیکاستی‌ها؛ بررسی پیدایش

در همه ادیان بزرگ جهان، به واسطه تفاسیر متفاوت افراد از موضوعات پیرامون هر دین، در طول تاریخ، فرقه‌هایی منشعب شده است. آیین مسیحیت، به‌عنوان یکی از پرطرفدارترین ادیان

نقد و بررسی آموزه تکلم به زبان‌ها در کلیسای پنطیکاستی

کتاب یاسر ابوزاده کتابی / دانشجوی کارشناس ارشد ادیان و عرفان مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

saneii@qabas.net

مرتضی صانعی / استادیار مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

دریافت: ۱۳۹۵/۰۵/۲۵ - پذیرش: ۱۳۹۵/۱۰/۱۳

چکیده

آموزه تکلم به زبان‌ها، عطیه‌ای از عطایای روح‌القدس است که طی آن، فرد به زبانی از زبان‌های فراموش شده بشری و یا زبان فرشتگان و یا زبان‌هایی غامض و نامفهوم تکلم می‌کند. پنطیکاستی‌ها معتقدند استفاده از این عطیه نشانه حقانیت این آیین در آخرالزمان محسوب می‌گردد. از این رو، در امر تبشیر از آن بسیار استفاده می‌کنند. هدف این پژوهش، بررسی صحت یا سقم این مسئله از نظر کتاب مقدس است. بنابراین، این پژوهش با روش تحلیلی - انتقادی و با بررسی اسناد پنطیکاستی‌ها، به معرفی این آموزه پرداخته و با ارائه آیاتی از کتاب مقدس، مسئله را مورد سنجش قرار می‌دهد. مهم‌ترین یافته‌های این تحقیق شامل نقدهایی از کتاب مقدس است که این عطیه را مربوط به عصر حضور حضرت عیسی و حواریون عنوان کرده، و تعمیم آن به عصر حاضر را مغایر با آیات کتاب مقدس می‌داند.

کلیدواژه‌ها: کتاب مقدس، روح‌القدس، تکلم به زبان‌ها، کلیسای پنطیکاستی.

سازمان‌دهی شده در جهان (اسمیت و دیگران، ۱۹۹۵، ص ۲۴۰)، که جمعیتی بالغ بر ۲٫۴ میلیارد نفر را در سراسر دنیا به خود اختصاص داده (میلر، ۲۰۱۲، ص ۹) - نیز از این قاعده مستثنا نبوده و سه فرقه بزرگ کاتولیک رومی، ارتدوکس شرقی و پروتستان در آن شکل گرفته‌اند (اسمیت و دیگران، ۱۹۹۵، ص ۲۴۰). هریک از این فرقه‌ها نیز شاخه‌هایی دارند و جنبش پنطیکاست (Pentecostalism)، شاخه‌ای از مسیحیت پروتستان است (مک گراث، ۲۰۰۸، ص ۴۳۹).

جنبش پنطیکاستی یا پنطیکاستالیسم کلاسیک، جنبش جدیدی در مسیحیت است که در آوریل ۱۹۰۶م در ایالت لس آنجلس آمریکا و در ساختمانی کوچک در خیابان آروسا با رهبری افرادی همچون چارلز فاکس پرهام (Charles fox parham) و ویلیام جی سیمور (William J. Seymour) آغاز گردید و از آنجا، به اقصا نقاط عالم منتشر گردید (لوگو و دیگران، ۲۰۰۶، ص ۳). جنبش خیابان آروسا را سومین موج در مسیحیت می‌دانند. موج اول، مربوط به زمان کنستانتین است، زمانی که کلیسای کاتولیک تأسیس شد. دومین موج در مسیحیت، با آغاز جنبش اصلاح‌طلبی، هنگامی که مارتین لوتر بیانیه ۹۵ ماده‌ای خود را بر سر در کلیسای ویتنبرگ چسپاند، شکل گرفت. در نهایت، در خیابان آروسا، گروهی از قدیسان تشنه معنویت توانستند، موجی بزرگ از معنویت و اشتیاق را در سراسر جهان به‌وجود آورند. جنبش پنطیکاستی، سومین موج در تلاش است که سراسر جهان را تحت تأثیر خود قرار دهد (لیاردون، ۲۰۰۶، ص ۱۱).

واژه پنطیکاستی، از کلمه پنطیکاست، نامی یونانی برای عید هفته‌های یهودیان (خروج ۳۴: ۲۲؛ تثنیه ۱۶: ۱۰؛ خروج ۲۳: ۱۴-۱۷)، مشتق شده است. از نظر مسیحیان، این رویداد، یادآور نزول روح‌القدس بر پیروان عیسی مسیح می‌باشد که در کتاب اعمال رسولان گزارش شده است. در این گزارش آمده است که چگونه در زمان عید شاوووعوت (Shavuot)، یا پنطیکاست تمام پیروان مسیح «همه‌شان از روح‌القدس پر شدند، و شروع به تکلم به زبان‌های دیگر کردند، همان‌گونه که روح‌القدس به آنها این قدرت را بخشیده بود» (اعمال رسولان ۲: ۴).

### نقش روح‌القدس و عطایای منتسب به او

پنطیکاستی‌ها، تأکید ویژه‌ای بر روح‌القدس داشته و معتقدند از طریق تعمید توسط روح‌القدس، شخص مؤمن می‌تواند رابطه‌ای بسیار نزدیک با خداوند برقرار سازد (بلیک، ۲۰۱۴، ص ۷). هنگامی که یک ایمان‌دار از روح‌القدس پر می‌گردد، شهود درونی برای او حاصل شده، قادر به غریبه‌گفتاری یا آنچه که به آن

«تکلم به زبان‌ها» اطلاق می‌گردد، می‌شود، شفابخشی الهی را تجربه کرده، می‌تواند پیشگویی کند (مکیلا، ۲۰۰۶، ص ۲۰؛ میلر، همان، ص ۳).

مؤمن به‌واسطه تعمید در روح‌القدس، صلاحیت دریافت عطایای روح‌القدس را پیدا می‌کند (برونر، ۱۹۹۷، ص ۱۳۰). براساس آموزه‌های پنطیکاستی‌ها، حقانیت عطایای روحانی را می‌توان در اسناد متون مقدس، و ضرورت آنها را در نیازهای انسان یافت (رک: لوقا ۱۱: ۱۳؛ رومیان ۱۲: ۴؛ اول قرنتیان ۷: ۱۲؛ ۱: ۴، ۱۲، ۱۲: ۱۸-۱۴؛ ۲۷-۳۱: ۱۴؛ ۱-۶: ۱۹-۱۲؛ ۲۲-۲۵؛ ۲۶-۳۳؛ افسسان ۳: ۷؛ ۱۱، ۱۲؛ کولسیان ۳: ۱۶؛ عبرانیان ۲: ۲؛ دوم تیموتائوس ۱: ۶، ۷؛ اول پطرس ۴: ۱۰، ۱۱)؛ چراکه بدون کمک خداوند، بشر غیرممکن است، راهی به سوی او داشته باشد. افزون بر اینکه گناهان فرد باید بخشیده شوند، او برای فائق آمدن بر خباثت، حماقت‌ها، جهالت‌ها، کندی امور ذهنی، و سایر کاستی‌های ذهنی و نفسانی به خدا نیاز دارد. لذا بشر برای جبران ضعف‌هایی که بر اثر گناه اولیه برای او حاصل شده و درمان بیماری‌های روحی، و برای آنکه ارتباطش با خداوند قطع نشود، همیشه نیازمند به چیزی والا - عطایا - است (میلر، ۲۰۰۵، ص ۲۷۵). البته عطایا چیزی بیشتر از درمان هستند، آنها بشر را نیرومند ساخته و در تبعیت از الهامات خوب و هدایت‌های روح‌القدس ثابت نگه می‌دارند (جان کامرون، ۲۰۰۲، ص ۷).

عطایای روح‌القدس، موهبتی است که به افزایش و پالایش قدرت‌های طبیعی، که به بشر داده شده، می‌انجامد. روح‌القدس، همواره انسان‌ها را به سوی خلوص و محبت و پرهیزکاری بیشتر راهنمایی می‌کند. هرچه قدرت نفس انسان بیشتر گردد، او وجود خدا را بهتر درک می‌کند و در نتیجه، به راحتی از خدا تبعیت خواهد کرد (همان، ص ۷).

بنابراین، عطایا را می‌توان در دو دسته کلی، عطایای صوتی و عطایای نیروبخش تقسیم کرد: عطایای صوتی، عطایایی هستند که فرد با الهام روح‌القدس بی‌اختیار شروع به تکلم می‌کند. عطایای نیروبخش، عطایایی هستند که طی آن قدرت خاصی - مانند قدرت شفابخشی - از سوی روح‌القدس به فرد اهدا می‌شود. این فیوضات را به دو دلیل «عطیه» گویند: اولاً، به سبب اینکه خداوند آنها را بدون هیچ‌گونه انتظار و توقعی به انسان عطا کرده، ثانیاً، به سبب این که حق ویژه‌ای است برای واکنش نشان دادن به الهامات الهی (همان، ص ۱۷). عطیه پیشگویی، تکلم به زبان‌ها و تفسیر زبان‌ها، و کلمات حکمت و دانش، جزء عطایای صوتی و عطیه ایمان، کارهای معجزه‌آسا و شفا، جزء عطایای نیروبخش هستند. این پژوهش، به بررسی عطیه تکلم به زبان‌ها، تفسیر آن و نقش آن در تبشیر می‌پردازد.

**تکلم به زبان‌ها و تفسیر آن**

تکلم به زبان‌ها، عطیه‌ای صوتی است که طی آن فرد به یک زبان بشری فراموش‌شده؛ زبانی که در میان مردم عصر باستان رواج داشت و امروزه دیگر با آن زبان تکلمی صورت نمی‌گیرد (اعمال رسولان ۲: ۶-۱۱)، همانند آنچه که در کتاب مقدس در مورد روز پنطیکاست ادعا شده، و یا به زبان فرشتگان و یا به زبانی غریبه، نوعی تکلم، که هیچ‌گونه سابقه تاریخی نداشته و مفهوم آن را کسی نمی‌داند (هوس، ۲۰۰۶، ص ۱۳)، تکلم می‌کند (اول قرنتیان ۱۳: ۱). از نظر تاریخی، رهبران اولیه جنبش پنطیکاستی معتقد بودند که تکلم به زبان‌ها، با یک زبان خالص و اصیل - یکی از زبان‌های بشری که در نقطه‌ای از عالم مردم برای ارتباط با یکدیگر از آن استفاده می‌کنند - صورت می‌گیرد.

در مورد ماهیت زبانی که دریافت می‌شود، باید گفت: این زبان، زبانی حقیقی - زبان‌های بشری و یا زبان فرشتگان - (اول قرنتیان ۱۳: ۱، اعمال رسولان ۲: ۶-۱۱)، برای ستایش خداست (اول قرنتیان ۱۴: ۱۶-۱۷ و اعمال رسولان ۲: ۱۱ و ۱۰: ۴۶)، که روح القدس آن را فراهم ساخته (اعمال رسولان ۲: ۴ و اول قرنتیان ۱۴: ۲ و رومبان ۸: ۲۶-۲۷) جزء مهمی از زندگی معنوی هر فرد مسیحی محسوب می‌شود (اول قرنتیان ۱۴: ۵). اهمیت آن از این جهت است که نشانه‌ای است از اینکه فرد روح القدس را دریافت کرده (اعمال رسولان ۴: ۱۰) و با خدا مرتبط گشته است (اول قرنتیان ۱۴: ۲ و رومبان ۸: ۲۶-۲۷).

در میان پنطیکاستی‌ها، این اعتقاد وجود دارد که تکلم به زبان‌ها، کارکردها و مزایایی دارد. از جمله مزایای تکلم به زبان‌ها، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. اولین فایده تکلم به زبان‌ها، این است که تضمین می‌کند، فرد به وسیله روح القدس تعمید یافته است (آلن هوس، ۲۰۰۱، ص ۱۱؛ لیاردن، ۲۰۰۶، ص ۲۱۹؛ میلر، ۲۰۰۵، ص ۳۱۹ و ۳۱۹). چراکه معتقد شدن به روح القدس، معتقد شدن به این است که خدا می‌تواند و می‌خواهد با مردم امروز تکلم کند. از این رو، تکلم به زبان‌ها در تبشیر نقش بسزایی دارد (اندرسون، ۲۰۰۴، ص ۲۲).

۲. روح انسان را قوی می‌کند و سبب رشد معنوی او می‌شود (اول قرنتیان ۱۴: ۴). لذا از نظر پنطیکاستی‌ها، اگر روحی ناله می‌کند و آرامش ندارد، به خاطر این است که از طریق تکلم به زبان‌ها، به اندازه کافی دعا نخوانده است (لیاردن، ۲۰۰۶، ص ۲۲۰).

۳. ایمان را خواهد ساخت؛ در رساله یهودا آیه بیستم آمده است که زبان‌ها ایمان فرد را به حرکت و جنبش وامی‌دارد. ایمان را زنده نگه می‌دارد. وقتی فردی دعایی را به صورت تکلم به زبان‌ها می‌خواند، او آماده است تا برای هر چیزی به خدا معتقد شود و توانایی او را برای اعتماد به خدا برمی‌انگیزاند.

۴. کمک می‌کند تا دهان انسان پاکیزه باشد و سبب می‌شود تا عضو سرکش بدن انسان یعنی زبان تحت کنترل او باشد؛ چراکه زبان انسان چیزی بیشتر از آن است که طعم غذاها را بچشد و با برادر و خواهر تکلم کند، بلکه زندگی یا مرگ انسان، تقدس یا لعنت فرد، همه بستگی به چگونگی استفاده از زبان دارد. وقتی فرد از طریق تکلم به زبان‌ها دعاهای بسیاری در ستایش خداوند بخواند، دهان انسان در استیلاهی روح القدس قرار خواهد گرفت (یعقوب ۱: ۲۶ و ۳: ۸). در نتیجه این استیلا زبان انسان، دست از سرکشی برداشته و گفتار انسان از جملات شنیع تطهیر گردد (لیاردن، ۲۰۰۶، ص ۲۲۱).

۵. نشانه‌ای است برای کفار و انسان‌های شکاک: (اعمال رسولان ۲: ۱۲-۱۰ و ۴: ۱۰؛ ۷-۱۹ و اول قرنتیان ۱۴: ۲۲). پس از اینکه فردی مسیحی، با عنایت روح القدس، به زبانی که تا به حال آن را فرا نگرفته بود، سخن بگوید، این امر نشان‌های است تا کفار و انسان‌های شکاک در حقایق ایمان آن مسیحی به تأمل افتند (میلر، ۲۰۰۵، ص ۳۲۶).

با توجه به اینکه این نوع تکلم، مستقیماً از سوی روح القدس الهام شده است (گراس مرسی مینستری، ۲۰۱۲، ص ۱۶؛ هوس، ۲۰۰۶) لازم است که برای فهم مخاطبان، به زبان آنها تفسیر گردد (اول قرنتیان ۱۴: ۵ و ۱۲-۱۳ و ۲۸-۲۷). حال این تفسیر را یا خود متکلم و یا شخص دیگری ارائه می‌دهد (مرسی مینستری، ۲۰۱۲، ص ۱۶). پنطیکاستی‌ها بر این باورند، کسانی که عطیه تکلم به زبان‌ها به آنها اعطا شده، برای به‌دست آوردن عطیه تفسیر، باید به دعا و عبادت بپردازند. دلیل این مطلب روشن است؛ زیرا زبانی که به آن تکلم می‌شود، یا زبان فرشتگان است که کسی غیر از متکلم آن را نمی‌داند و یا زبانی پیچیده، غامض و نامفهوم است که باز هم غیر از متکلم و یا کسی که قبلاً به آن زبان تکلم کرده باشد، آن را نمی‌شناسد، و یا یکی از زبان‌هایی است که در منطقه‌ای دیگر، رایج است، از این رو، در هر سه صورت، نیاز به این است که تفسیری از ناحیه متکلم و یا کسی که آشنایی به آن زبان دارد، صورت گیرد. در موقع تفسیر نیز نیازی نیست تا تفسیری با ترجمه تحت‌اللفظی عبارات بیان شده، ارائه شود، بلکه همین قدر که فرد بتواند فحوای کلام خود را به دیگران بفهماند، کفایت می‌کند. بنابراین، پنطیکاستی‌ها تعلیم می‌دهند که اگر یک متکلم به زبان‌ها نتواند کلماتی را که گفته است تفسیر کند، براساس آنچه که در کتاب مقدس آمده است، در کناری ساکت بنشیند و چیزی نگوید (اول قرنتیان ۱۴: ۲۷-۲۸).

**تکلم به زبان‌ها و نقش آن در تبشیر**

با توجه به حوادثی که در آغاز جنبش پنطیکاستی افتاد و طی آن چندین نفر توانستند به زبان‌های گوناگون تکلم کنند، آنها معتقدند: نقشه خدا این بود که قبل از اینکه میسیونرهای پنطیکاستی، به

سرزمین‌های دیگر بروند، عطیه تکلم به زبان‌ها به ایشان اعطا شود تا نشان‌های بر حقانیت مسیحیت پنطیکاستی قلمداد گردد(آندرسون، ۲۰۰۱، ص ۲۰۶)؛ چراکه اولاً، این زبان‌ها را نمی‌توان مانند زبان بومی یاد گرفت، بلکه این مسیح است که کنترل اعضای تکلم فرد را در اختیار می‌گیرد. ثانیاً در تکلم به زبان‌ها غالباً فرد شروع به تکلم به زبانی می‌کند که هر کسی نمی‌تواند فحوای آن را تشخیص دهد. این خداوند است که به واسطه روح القدس، توانایی تفسیر آن را به برخی اعطا می‌کند تا برای سایرین توضیح دهند. از این رو، از نگاه پنطیکاستی‌ها هدف از تکلم به زبان‌ها، کمک کردن به موعظه انجیل در همه مناطق کره زمین بوده است(آندرسون، همان، ص ۲۱۸).

براین اساس، اولاً مسیونر خود برای به دست آوردن این عطیه تلاش می‌کند. سپس، با استفاده از آن سعی در تبلیغ مسیحیت می‌کند. از این رو، به محض اینکه کسی تعمیم روح القدس را با شاهد تکلم به زبان‌ها دریافت می‌کرد، اشتیاق زیادی داشت که به دوستان و اعضای خانواده خود درباره این خبر خوب اطلاع رسانی کند، و بدین طریق آنها را به سوی مسیحیت ترغیب می‌کرد(واکر، ۲۰۱۰، ص ۸۳). امروزه نیز استفاده از تکلم به زبان‌ها، از سوی پنطیکاستی‌ها در تبشیر به کار می‌رود.

### تحلیل و بررسی آموزه تکلم به زبان‌ها

آنچه گذشت اهم اعتقادات پنطیکاستی‌ها در مورد عطیه تکلم به زبان‌ها بوده، با توجه به اینکه پنطیکاستی‌ها خود را کتاب مقدس محور می‌دانند، آیا کتاب مقدس این نکات را تأیید می‌کند؟ در اینجا به بررسی این موضوع می‌پردازیم:

### الف. غیرماورایی بودن تکلم به زبان‌ها در کتاب مقدس

حقیقتی مبنایی درباره زبان‌های کتاب مقدسی این است که آنها زبان‌هایی واقعی بودند، نه چیزی شبیه واژه‌های نامفهوم و غامض. اولین بار تکلم به زبان‌ها در کتاب اعمال رسولان مطرح شد. در این کتاب، عطیه تکلم به زبان‌ها، توانایی معجزه‌آسا برای صحبت کردن به زبانی است که شخص هرگز آن را قبلاً نیاموخته بود.

پس وقتی صدا از آن خانه به گوش رسید، گروهی با سرعت آمدند تا ببینند چه شده است. وقتی شنیدند شاگردان عیسی به زبان ایشان سخن می‌گویند، مات و مبهوت ماندند! آنان با تعجب به یکدیگر می‌گفتند: «این چگونه ممکن است؟ با اینکه این اشخاص از اهالی جلیل هستند، ولی به زبان‌های محلی ما تکلم می‌کنند به زبان همان سرزمین‌هایی که ما در آنجا به دنیا آمده‌ایم! ما که از پارت‌ها، مادها، ایلامی‌ها، اهالی

بین‌النهرین، یهودیه، کپدوکیه، پونتوس، آسیا، فریجیه و پمفلیه، مصر، قسمت قیروانی زبان لیبی، کریت، عربستان هسپیم و حتی کسانی که از روم آمده‌اند هم یهودی و هم آثانی که یهودی شده‌اند همه ما می‌شنویم که این اشخاص به زبان خود ما از اعمال عجیب خدا سخن می‌گویند! همه درحالیکه مبهوت بودند، از یکدیگر می‌پرسیدند: «این چه واقعه‌ای است؟»(اعمال رسولان ۲: ۱۲-۶).

در این آیات، دست کم ۱۴ زبان متفاوت نامشان آمده است. اینها دقیقاً زبان‌های رسمی بودند که توسط مردم آن عصر تکلم می‌شد. شاگردان یهودی توانایی بر تکلم به آن زبان‌ها را یافتند، با اینکه آنها قبلاً هرگز با آن زبان‌ها صحبت نکرده بودند. حتی غیر از زبان مادری‌شان، زبان دیگری را نمی‌دانستند و حتی آن را آموزش ندیده بودند.

در اول قرن‌های ۱۲-۱۴ نیز تکلم به زبان‌ها آمده است، اما با آنچه که در کتاب اعمال آمده است، تفاوتی ندارد. از این رو، در هر دو جا به معنای زبان‌هایی رسمی است که آن را حواریون قبلاً نیاموخته بودند.

با توجه به این نکات، اشاره به تحلیلی عقلی در این باره ضروری است: هر معجزه‌ای عقلاً باید متناسب با فرهنگ و سطح فهم مخاطبان باشد، و متخصصانی در میان آنان حضور داشته باشند تا به دیگران اعلام کنند که این عمل، معجزه است. به عنوان مثال، در جریان معجزه عصای موسی علیه السلام، خود ساحران به عنوان متخصصان جادوگری اعلام کردند که کار موسی علیه السلام جادو نیست، بلکه معجزه است و ایمان آوردند. در مورد همه معجزات مسئله همین‌گونه است. این کاملاً عقلی است والا معجزه کارائی خود را از دست می‌دهد. در مورد تکلم به زبان‌ها نیز این قاعده حاکم است. در متن کتاب مقدس نیز به همین مطلب تصریح شده است. در میان مخاطبان کسانی بودند که آن زبان‌ها را متوجه می‌شدند و به دیگران گفتند که اینان به زبان ما سخن می‌گویند. بنابراین، اگر از غیرپنطیکاستی‌ها کسی تأیید کند که آنان به زبانی سخن می‌گویند که در فلان قبیله و یا در فلان کشور به آن زبان سخن می‌گویند و این سخن گفتن، معجزه‌آسا است؛ یعنی تأیید شود که آنان پیش از این، زبان آن قبیله را نشنیده و تعلیم ندیده‌اند، تأیید می‌شود که آنان توانایی معجزه دارند و این عطیه روح القدس است. عقلاً قابل تأیید نیست. اگر این قاعده عقلی در میان نباشد، پیروان هر دینی نیز به راحتی با درست کردن چند کلمه غامض و کنار هم چیدن آنها و تفسیر آن براساس آموزه‌های خود، می‌توانند ادعا کنند که آنها نیز تکلم به زبان‌ها دارند.

این گفته در نتیجه پنطیکاستی‌ها که تکلم به زبان‌ها، تکلم به زبان فرشتگان و یا زبان‌هایی غامض و پیچیده است، مبنای کتاب مقدسی ندارد. اما اگر مرادشان - همان‌گونه که در کتاب مقدس آمده است -

زبان‌های بشری فراموش شده و یا زبان‌های سایر مناطق زمین باشد، این سخن را به عنوان مطلبی کتاب مقدسی در نگاه اول می‌توان پذیرفت، ولی در ادامه دلائلی بیان خواهد شد که وجود این زبان‌ها در عصر حاضر را رد می‌کند (دبلیو کلود، ۲۰۱۲، ص ۱۷).

### ب. یهودیان مخاطب واقعی زبان‌ها

حقیقت مبنایی دیگر درباره زبان‌های کتاب مقدس این است که آنها، به طور عمده، نشانه‌ای بودند برای مردم اسرائیل تا خداوند پیامش را به همه ملت‌های یهودی برساند (دبلیو کلود، ۲۰۱۲، ص ۱۹؛ مک‌آرتور، ۲۰۰۳، ص ۱۳۶). پولس در این باره می‌گوید:

برادران عزیز، در درک این مطالب مانند کودکان نباشید. در درک و فهم امور روحانی، چون مردان عاقل و دانا باشید، اما در بدی کردن مانند کودکان! کتاب آسمانی می‌فرماید که خداوند از سرزمین‌های دیگر افرادی را خواهد فرستاد تا پیام او را به زبان‌های بیگانه به قوم او اعلام کنند، اما با این‌حال ایشان نخواهند شنید. پس می‌بینید که سخن گفتن به زبان‌ها، نشانه قدرت خدا برای ایمان‌داران نیست، بلکه نشان‌های است برای بی‌ایمانان. اما نبوت، یعنی آوردن پیام از جانب خدا، برای بی‌ایمانان نیست، بلکه برای ایمان‌داران (اول قرنتیان ۱۴: ۲۰-۲۲).

قرنتیان، غالباً، شیفته تکلم به زبان‌ها بوده و اهل خودنمایی بودند. از این رو، پولس از آنها می‌خواست تا هدف تکلم به زبان‌ها را همانند انسان‌های بالغ درک کنند (همان). این نکته در واقع تکمیل آن چیزی بود که در اشعیا ۲۸: ۱۱-۱۲ مستقیماً خطاب به یهودیان آمده بود: «چون مردم به این تعلیم گوش نمی‌دهند، خدا قوم بیگانه‌ای را خواهد فرستاد تا به زبان بیگانه به آنها درس عبرت بدهند! خدا می‌خواست به ایشان آرامش و امنیت ببخشد، اما ایشان نخواستند از او اطاعت کنند».

زبان‌های معجزه‌آسا، نشانه‌ای برای غیرمؤمنان یهودی بود که خداوند، به واسطه آن، با تمام ملت‌های یهودی تکلم کرد و از آنان خواست تا در یک بدن معنوی واحد، که متشکل از یهودیان و غیریهودیان است وارد گردند (دبلیو کلود، همان، ص ۲۲).

توجه به این نکته، ضروری است که هر جا در کتاب مقدس، بحث از تکلم به زبان‌ها آمده است، یهودیان حضور داشتند (اعمال رسولان ۲: ۶-۱۱ و ۱۰: ۴۶ و ۱۹: ۶). در روز پنطیکاست نیز در حضور یهودیان تکلم به زبان‌ها صورت گرفت (رک: اعمال رسولان ۱۹).

فرناندا لگراندا، یکی از پیشگامان جنبش پنطیکاستی که بعدها از منتقدان این جنبش شد، می‌گوید: این نکته بسیار مهم است که هرگاه نشانه‌ای پیدا می‌شد، همیشه در حضور یهودیان بوده

است، و هر گاه یهودیان حضور نداشتند، نشانه‌ای هم وجود نداشت. این مسئله نیز بدین سبب بود که آن‌ها معتقد (باایمان) نبودند، از این رو، نشانه‌ها - برای مثال زبان‌ها - برای نجات آنان آمده بود (کلود، ۲۰۱۲، ص ۲۱).

مؤید این نکته این است که پس از سقوط اورشلیم در سال ۷۰ میلادی و پراکندگی یهودیان در میان ملت‌ها دیگر، اثری از این عطیه یافت نمی‌شود. از این رو، هدف از عطیه تکلم به زبان‌ها، که برای هدایت ملت اسرائیل بود، خاتمه یافت. یهودیان نشانه را نپذیرفتند و پیشگویی که اشعیا گفته بود تحقق یافت.

چون مردم به این تعلیم گوش نمی‌دهند، خدا قوم بیگانه‌ای را خواهد فرستاد تا به زبان بیگانه به آنها درس عبرت بدهند! خدا می‌خواست به ایشان آرامش و امنیت ببخشد، اما ایشان نخواستند از او اطاعت کنند. پس خداوند هر مطلبی را بارها برای ایشان تکرار خواهد کرد و کلمه به کلمه توضیح خواهد داد. این قوم افتاده، خرد خواهند شد و در دام خواهند افتاد و سرانجام اسیر خواهند شد (اشعیا ۲۸: ۱۱-۱۳).

البته پولس نیز به این نکته اشاره کرده است که عطیه تکلم به زبان‌ها متوقف خواهد شد.

همه عطیایی که خدا به ما می‌بخشد، روزی به انتها خواهد رسید. نبوت‌ها، سخن گفتن به زبان‌ها و دانستن علم و اسرار، روزی پایان خواهد پذیرفت. اما محبت تا ابد باقی خواهد ماند و از میان نخواهد رفت. در حال حاضر، با وجود تمام این عطایا، علم و نبوت‌های ما جزئی و نارساست. اما زمانی که از هر جهت کامل شدیم، دیگر نیازی به این عطایا نخواهد بود و همه از بین خواهند رفت (اول قرنتیان ۱۳: ۸-۱۰).

حال این سؤال مطرح است که چه زمانی این عطایا متوقف می‌شوند؟ با توجه به اینکه عطیه زبان‌ها فقط در آیه هشتم اول قرنتیان ۱۳ آمده و در دو آیه دیگر تکرار نشده است، ظاهراً باید مؤید این نکته باشد که عطیه تکلم به زبان‌ها، زودتر از دوتای دیگر متوقف می‌شود. در کتاب اعمال رسولان نیز آخرین باری که نامی از این عطیه دیده می‌شود، در بند نوزدهم است. دیگر اثری از این عطیه دیده نمی‌شود. دلیل این مسئله هم در اول قرنتیان ۱۳: ۱۰ آمده است و آن اینکه یکبار که نشانه‌ای به حد نهایت خود رسید، دیگر نیازی نیست که ادامه یابد.

از این رو، همه انواع تکلم به زبان‌ها در عصر مدرن را می‌توان بر مبنای آیات کتاب مقدس تکذیب کرد (تون، ۱۹۸۷، ص ۱۱؛ روژون، ۲۰۰۸، ص ۱۹۹)؛ زیرا هنگامی که برای اولین بار در سال ۱۹۰۱م، در مدرسه کتاب مقدسی پرهام تکلم به زبان‌ها صورت گرفت و یا در سال ۱۹۰۶م در خیابان آروسا، تکلم اتفاق افتاد، یهودیان حضور نداشتند. به علاوه از نگاه پرهام و سیمور، تکلم به زبان‌ها، نشانه‌ای بود بر تعمید شدن توسط روح القدس، نه نشان‌های برای یهودیان (کلود، ۲۰۱۲، ص ۲۴-۲۵).

**ج. همراهی همیشگی عطیه تکلم به زبان‌ها با عطیه تفسیر**

همان‌گونه که در اول قرن‌تین ۱۲: ۱۰۸ و ۱۴: ۲۷-۲۸ آمده است، عطیه تکلم به زبان‌ها حتماً باید با تفسیر همراه شود.

روح‌القدس به یک شخص عطا می‌بخشد تا با ارائه راه‌حل‌های حکیمانه دیگران را یاری نماید، و به دیگری دانستن اسرار را عطا می‌کند. او به یکی ایمانی فوق‌العاده عطا می‌نماید، و به دیگری قدرت شفای بیماران را می‌بخشد. به بعضی قدرت انجام معجزات می‌دهد، به برخی دیگر عطا می‌نماید. به یک نفر قدرت عطا می‌کند که تشخیص دهد چه عطایی از جانب روح خداست و چه عطایی از جانب او نیست. باز ممکن است به یک شخص این عطا را ببخشد که بتواند به هنگام دعا به زبان‌هایی که نیاموخته است، سخن گوید، و به دیگری عطا ترجمه این زبان‌ها را بدهد (اول قرن‌تین ۱۲: ۱۰۸).

اگر کسانی می‌خواهند به زبان‌های غیر حرف بزنند، تعدادشان نباید بیش از دو یا سه نفر باشد، آن‌هم به نوبت. یک نفر نیز باید این زبان‌ها را ترجمه کند. اما اگر کسی نباشد که ترجمه کند، ایشان باید در سکوت با خود و با خدا به زبان‌های غیر سخن گویند، نه در حضور همه و با صدای بلند (اول قرن‌تین ۱۴: ۲۸-۲۷).

عطیه تفسیر، قدرتی مافوق‌طبیعی بود که به‌وسیله آن، یک مؤمن می‌توانست تفسیری دقیق از پیامی که با خدا گفته می‌شد، به زبان‌های دیگر بیان کند. از این‌رو، اگر در کلیسایی تکلم به زبان‌ها اتفاق می‌افتاد، حتماً تفسیر آن نیز باید گفته می‌شد؛ زیرا این اراده خدا بود که هر کسی در کلیسا حاضر بود، هرآنچه را گفته می‌شد بفهمد، انجام دهد و سپس، به‌واسطه آن تهذیب گردد. حتی اگر یک یا دو نفر هم در مراسم حاضر باشند، کسی که پیام زبان‌ها را می‌فهمد، باید برای باقی افراد توضیح دهد. اما، با وجود این، تفسیر زبان‌هایی که پنطیکاستی‌ها و کاریزماتیک‌ها تعلیم می‌دهند، بسیار عجیب و غریب است؛ زیرا شباهت کمی بین زبان‌ها و تفسیر آنها وجود دارد. به‌طوری‌که گاهی اوقات برای چند واژه‌ای که تکلم می‌شد، تفسیری مفصل و طولانی ارائه می‌شد. برای مثال، تکلمی همانند شالامانا (shalabama) شالامانا (shalabama)... شالانونا (shalanoona) که از ۳ تا ۶ کلمه تشکیل شده است، به عنوان یک پیام معنوی بسیار غامض و پیچیده تفسیر می‌شد (دبلیو کلود، ۲۰۱۱؛ ص ۳۰؛ همو، ۲۰۱۲، ص ۷۶).

فرناند لگرانند درباره غامض بودن زبان‌ها می‌گوید:

در تمام مواردی از تفسیر که شخصاً با دقت بسیار، بررسی کردم، کشف نکردم مگر کلماتی که ساخته دست بشر و محصول نیرنگ تعمدی بود. آن‌چه مرا متعجب می‌کرد، این بود که این کلمات چقدر کوتاه بودند و تفاسیر آنها چقدر بلند و زیاد بود.

لگرانند برای آنکه صحت و سقم این‌گونه تفاسیر را دریابد، آزمون ساده‌ای آماده کرد و از کلیساهای

پنطیکاستی خواست تا آن آزمون را در کلیساهای انجام دهد، درخواستی که او داشت این بود: جلسه‌ای آماده کنید و یک نفر شروع به تکلم کند و ۳ نفر که می‌توانند تفسیر کنند، هر کدام جداگانه آن را تفسیر کنند تا مشخص شود که چقدر تفاسیرشان شبیه یکدیگر است. اما نه پنطیکاستی‌ها و نه کاریزماتیک‌ها هیچ‌کدام حاضر نشدند، آنرا بپذیرند (دبلیو کلود، همان، ص ۳۲).

**د. زبان‌های کتاب مقدسی همراه با قوانین رسولی**

پولس، تکلم به زبان‌ها را ممنوع نمی‌کرد، اما محدودیت‌های زیادی برای چگونگی استفاده از آنها ارائه کرده است: (دبلیو کلود، ۲۰۱۲، ص ۳۴-۳۷).

۱. تکلم به زبان‌ها باید به نوبت باشد، یکی پس از دیگری. آمده است: «اگر کسانی می‌خواهند به زبان‌های غیر حرف بزنند، تعدادشان نباید بیش از دو یا سه نفر باشد، آن‌هم به نوبت. یک نفر نیز باید این زبان‌ها را ترجمه کند» (اول قرن‌تین، ۱۴: ۲۴). در حالی که در بسیاری از جلسات پنطیکاستی‌ها، تکلم توسط چندین نفر و آن‌هم به یکباره انجام می‌شود.

۲. زبان‌ها باید تفسیر شوند. همان‌گونه که در اول قرن‌تین ۱۴: ۲۷ بیان شد: «یک نفر نیز باید این زبان‌ها را ترجمه کند». اما در جنبش مدرن پنطیکاستی، زبان‌ها به ندرت تفسیر می‌گردند و زمانی هم که این کار صورت می‌گیرد، به نظر می‌رسد که تفسیر، چیزی جدای از زبان‌هاست.

۳. زنان اجازه ندارند تکلم داشته باشند. در اول قرن‌تین ۱۴: ۳۴ آمده است: «زنان در جلسات باید ساکت باشند. آنها نباید سخن بگویند بلکه گوش کنند و اطاعت نمایند، همان‌طور که کتاب تورات فرموده است». اما زنان در جنبش پنطیکاستی طلایه‌داران تکلم به زبان‌ها بودند. آگنس آزمن (Agnes Ozman)، اولین کسی است که در مدرسه پرهام شروع به تکلم نمود. از این‌رو، اگر زنان را از جنبش پنطیکاستی حذف کنیم، این جنبش متلاشی می‌شود.

بنابراین می‌توان گفت: تکلم به زبان‌هایی که کتاب مقدس از آن سخن می‌گوید، قاعده‌مند است. هم لازم است تا تکلم به نوبت صورت گیرد، هم اینکه تفسیر آن در همان جلسه بیان شود و هم اینکه زنان اجازه تکلم ندارند. اما هیچ‌یک از این ضوابط در کلیساهای پنطیکاستی مراعات نشده و نمی‌شود.

**ه. غیر کتاب مقدسی بودن روش پنطیکاستی‌ها در تکلم به زبان‌ها**

زبان‌های کتاب مقدس یاد گرفتنی و دست یافتنی نیستند، بلکه به صورت معجزه‌آسا از سوی خداوند صورت می‌پذیرد. «اما تمام این عطایا از جانب یک روح، یعنی همان روح‌القدس است، و

اوست که تصمیم می‌گیرد به هرکس چه عطایی ببخشد» (اول قرنتیان ۱۲: ۱۱). به علاوه، حواریون در روز پنطیکاست حتی انتظار دریافت چنین عطیه‌ای را هم نداشتند، و در این باره هیچ‌گونه آموزش رسمی نیز ندیده بود، اما در جلسات پنطیکاستی‌ها، چگونگی دریافت تکلم به زبان‌ها آموزش داده می‌شود (دبلیو کلود، همان، ص ۴۰).

برای مثال دنیس بنت (Dennis Bennett) معتقد است: برای دریافت تکلم به زبان‌ها، باید دهانتان را باز کنید و نشان دهید که شما معتقدید که مسیح شما را، با شروع تکلم به زبان‌ها، در روح‌القدس تعمید می‌کند. سپس، تلاش کنید تا تکلم کنید. انگلیسی صحبت نکنید، و یا به هر زبان دیگری که شما می‌شناسید؛ زیرا در این صورت خداوند در تکلم به شما کمک نخواهد کرد. دقیقاً همانند کودکی که برای بار اول، شروع به تکلم می‌کند، شروع به صحبت کردن کنید. اما تنها چند صدا از خود درآورید. شما موانع صدایی را از بین برده‌اید. آن صداها را نگه داشته باشید. خدا آنها را به شما اعطا کرده است. به مسیح بگویید که او را دوست دارید، از صداها لذت ببرید... (دبلیو کلود، همان، ص ۳۹).

از این رو، اینکه پنطیکاستی‌ها برای چگونگی دریافت این عطیه، قواعد عجیب و غریبی اختراع می‌کنند، با کتاب مقدس سازگار نیست.

## و. تکلم به زبان‌ها و تعمید در روح‌القدس؟

برای اینکه معلوم شود تکلم به زبان‌ها، نشانه تعمید در روح‌القدس است یا نه، توجه به حقایقی در این زمینه، به حل مسئله کمک خواهد کرد: (کلود، همان، ص ۴۳-۴۴).

۱. در روز پنطیکاست، فقط ۱۲۰ نفری که در آن روز حضور داشتند، تکلم کردند. کسانی که توسط موعظه پطرس نجات یافته، و تعمید شدند، تکلم نکردند.
۲. سامریان نیز با اینکه تعمید شدند، اما تکلم نداشتند.

وقتی رسولان در اورشلیم شنیدند که اهالی سامره پیغام خدا را قبول کرده‌اند، پطرس و یوحنا را به آنجا فرستادند. وقتی ایشان به سامره رسیدند، برای نوایمانان دعا کردند تا روح‌القدس را بیابند؛ زیرا ایشان فقط به نام عیسی خداوند تعمید گرفته بودند و هنوز روح‌القدس بر هیچ‌یک از ایشان نازل نشده بود. پس پطرس و یوحنا دست‌های خود را بر سر این نوایمانان گذاشتند و ایشان نیز روح‌القدس را یافتند (اعمال ۸: ۱۴-۱۷).

۳. تعمید در روح‌القدس، در نامه‌های عهد جدید فقط یکبار و آن هم در اول قرنتیان ۱۲: ۱۳ مشاهده شده است.

هریک از ما عضوی از بدن مسیح می‌باشیم. بعضی از ما یهودی هستیم و بعضی غیریهودی؛ بعضی غلام هستیم و بعضی آزاد. اما روح‌القدس همه ما را کنار هم قرار داده و به صورت یک بدن درآورده است.

درواقع ما به وسیله یک روح، یعنی روح‌القدس، در بدن مسیح تعمید گرفته‌ایم و خدا به همه ما، از همان روح عطا کرده است و این امر نشان می‌دهد که در زمان‌های قدیم، زبان‌ها به عنوان یک شاهد در نظر گرفته نمی‌شدند.

۴. زمانی که کتاب مقدس، تعلیم داده می‌شد، هر مؤمنی تکلم به زبان‌ها نداشت، حتی در عصر رسولان این عطیه شاهی بر تعمید توسط روح‌القدس نبود. آیا همه عطای شفا دارند؟ آیا همه عطای سخن گفتن به زبان‌ها را دارند؟ یا همه عطای ترجمه این زبان‌ها را دارند؟ (ر.ک: اول قرنتیان ۱۲: ۳۰).

با توجه به اسناد کتاب مقدس، می‌توان گفت: اینکه پنطیکاستی‌ها مطرح می‌کنند اولین نشانه تعمید در روح‌القدس، تکلم به زبان‌هاست، نادرست است؛ زیرا کتاب مقدس شواهدی می‌آورد از افرادی که به دست رسولان تعمید شدند، ولی هیچ‌کدام تکلم به زبان‌ها نداشتند.

## ز. تکلم به زبان‌ها و پرشدن از روح‌القدس؟

در حالی که تعمید در روح‌القدس رویدادی تاریخی بود که تنها یکبار، آن‌هم در روز پنطیکاست اتفاق افتاد، پرشدن از روح‌القدس بارها در کتاب اعمال رسولان تکرار شده است. به گونه‌ای که هر مؤمن می‌تواند به طور متناوب آن را تجربه کند. همان‌گونه که آمده است: از مستی بپرهیزید؛ زیرا مستی انسان را به راه‌های زشت می‌کشاند. در عوض از روح خدا پر شوید (افسیسیان ۵: ۱۸).

برای تسلیم شدن و ماندن در مسیر روح‌القدس، پرشدن از روح‌القدس موجب می‌شود تا فرد توسط روح‌القدس کنترل شده و به سوی او سوق پیدا کند: (کلود، همان، ص ۴۵).

گرچه در کتاب اعمال رسولان، بارها آمده است که مسیحیان می‌توانند از روح‌القدس پر شوند، اما تکلم به زبان‌ها، فقط یکبار در این سیاق آمده است. در اعمال رسولان ۲: ۴ آمده است که حواریون از روح‌القدس پر شده و تکلم به زبان‌ها نموده‌اند، اما در سایر آیات کتاب اعمال رسولان، آنها از روح‌القدس پر می‌شدند، ولی تکلمی نداشتند. از این رو، صحیح نیست که بخواهیم تکلم به زبان‌ها را شاهی بر پرشدن از روح‌القدس بدانیم.

بررسی کتاب اعمال رسولان نشان می‌دهد هنگامی که مؤمنان از روح‌القدس پر می‌شدند رویدادهای زیر اتفاق می‌افتاد:

آنها خداوند را به خاطر زبان‌های خارجی که به صورت خارق‌العاده به آنها اعطا شده بود، تحسین و ستایش کردند (اعمال رسولان ۲: ۴-۱۱).

آنها شاهی بر مسیح و بی‌باکی او قلمداد می‌کردند (اعمال رسولان ۴: ۲۸-۳۱ و ۳۳).

برای خدمت‌گزاری به بندگان خدا اعلام آمادگی می‌کردند (اعمال رسولان ۶: ۳-۵).

در روششان نسبت به دشمنان از رویکرد مسیح تبعیت می‌کردند(اعمال رسولان ۷: ۵۵-۶۰).

آماده فرمان‌برداری از خدا بودند(اعمال رسولان ۹: ۱۷-۲۰).

به خاطر مسیح به روح‌ها و جان‌ها مسلط شدند(اعمال رسولان ۱۱: ۲۴).

در مقابل معلمان دروغین ایستادگی کردند(اعمال رسولان ۱۳: ۸-۱۰).

سرشار از شادی شدند(اعمال رسولان ۱۳: ۵۲).

به‌علاوه در نامه به افسسیان نیز با اینکه بارها صحبت از پرشدن از روح‌القدس آمده، اما حتی یک‌بار هم نامی از زبان‌ها نیامد. نشانه‌های پرشدن از روح‌القدس در این نامه، ایجاد رابطه معنوی بین برادران(افسسیان ۵: ۱۹ و ۲۱-۳۳ و ۶: ۹-۱)، عبادت و پرستش خدا(افسسیان ۵: ۱۹)، ایستادگی در مقابل شیطان(افسسیان ۶: ۱۱-۱۸) زندگی عبادی مؤثر(فسسیان ۶: ۱۸-۲۰) بیان شده است. در واقع نامی از تکلم به زبان‌ها به میان نیامده است.

با توجه به این نکات، می‌توان گفت: گرچه ممکن است پر شدن از روح‌القدس، بارها در زندگی افراد تکرار شود، ولی نشانه آن تکلم به زبان‌ها نیست. ازاین‌رو، تکلم نمودن به زبانی بیگانه را به عنوان شاهی بر پر شدن از روح قلمداد نمودن، با آیات کتاب مقدس سازگار نیست.

### نتیجه‌گیری

با توجه به استدلال‌ات کتاب مقدس می‌توان گفت:

۱. اینکه پنطیکاستی‌ها معتقدند: تکلم به زبان‌ها می‌تواند به زبان فرشتگان و یا زبانی غریبه باشد، با متن کتاب مقدس سازگاری ندارد.
۲. به‌علاوه، تکلم به زبان‌هایی که کتاب مقدس از آن سخن گفته است، در حضور یهودیان صورت گرفت و کتاب مقدس آن‌را به عنوان نشان‌های برای یهودیان قلمداد کرده است، درحالی‌که تکلم به زبان‌های پنطیکاستی‌ها با این هدف صورت نگرفته است.
۳. تکلم به زبان‌ها در کتاب مقدس ضابطه‌مند است. زنان نمی‌توانند تکلم داشته باشند، ولی آگنس آرمین به عنوان اولین زن پنطیکاستی، ادعای تکلم به زبان‌ها داشته است.
۴. براساس کتاب مقدس، عطیه تکلم به زبان‌ها باید با تفسیری متناسب با آن همراه باشد، ولی تفسیری که پنطیکاستی‌ها ارائه می‌کنند، تفسیری عجیب و غریب است.
۵. تکلم به زبان‌های کتاب مقدس، عطیه معجزه‌آسای خداوند محسوب می‌شود. ازاین‌رو، نمی‌توان با روش‌های اختراعی پنطیکاستی‌ها تکلم به زبان‌ها را تجربه کرد.

۶. تعمید روح‌القدس، برخلاف ادعای پنطیکاستی‌ها، همیشه با تکلم به زبان‌ها همراه نبوده است.

۷. پرشدن از روح‌القدس نیز بارها در زندگی هر مؤمنی تکرارشدنی است و مشروط به تکلم به زبان‌ها نیست.

ازاین‌رو، می‌توان گفت: مبنای پنطیکاستی‌ها درباره تکلم به زبان‌ها، با آنچه کتاب مقدس می‌گوید و شروطی که تعیین کرده است، سازگار نیست.



- Ruthven, Jon Mark, 2008, *On the Cessation of the Charismata: The Protestant Polemic on Post-Biblical Miracles*, Regent University School of Divinity.
- Smith, Jonathan Z, Green, W. S., & Buckley, J. J, 1995, *The HarperCollins dictionary of religion: HarperSanFrancisco*.
- Tow, Timothy, 1987, *The Spirit Of Truth & The Spirit Of Error*, the Second National Conference of the Indonesian Council of Christian Churches, Jakarta.
- W. Cloud, David, 2012, *The God of End-Time Mysticism*, Bethel Baptist Print Ministry, Canada.
- \_\_\_\_\_, 2012, *Tongues Speaking*, Bethel Baptist Print Ministry, Canada .
- Walker, Daniel Okyere, 2010, *The Pentecost fire is burning: models of mission activities in the Church of Pentecost*, University of Birmingham.

## منابع

کتاب مقدس (ترجمه تفسیری)

- Althouse, Peter Frederick, 2001, *Spirit of the last days, contemporary Pentecostal theologians in dialogue with Jurgen Moltmann*. National Library of Canada= Bibliothèque nationale du Canada .
- Anderson, Allan, 2004, *Structures and patterns in Pentecostal mission*, Missionalia: Southern African Journal of Mission Studies, 32(2), 233-249 .
- Bruner, Frederick Dale, 1997, *A theology of the Holy Spirit*. The Pentecostal experience and the New Testament witness: Wipf and Stock Publishers.
- Grace Mercy Ministry, 2012, *Holy Spirit Gifts*, Grace Mercy Ministry ,The United States of America.
- House, Sean David, 2006, *Pentecostal Contributions to Contemporary Christological Thought: A Synthesis with Ecumenical Views*.
- John Cameron, Peter, 2002, *The Gifts of the Holy Spirit, Aquinas*, Knights of Columbus Supreme Council, New York.
- Liardon, Roberts, 2006, *The Azusa Street Revival: When the Fire Fell-An In-Depth Look at the People*, Teachings, and Lessons: Destiny Image Publishers.
- Lugo, L., Stencil, S., Green, J., Shah, T. S., Grim, B. J., Smith, G., . . . Taylor, P, 2006, *Spirit and power: A 10-country survey of Pentecostals*, Paper presented at the Pew Forum on Religion and Public Life.
- Lugo, Luis, 2011, Christianity, Global, "*A Report on the Size and Distribution of the World's Christian Population*." Paper presented at the Pew Forum on Religion and Public Life.
- MacArthur, John, 2003, *Charismatic Chaos*, at Grace Community Church in Panorama City, California.
- Macchia, Frank D, 2006, *Baptized in the Spirit*, Michigan: Zondervan .
- McGrath, Alister E, & Marks, D. C, 2008, *The Blackwell companion to protestantism*: John Wiley & Sons.
- Miller, Denzil R, 2005, *Empowered for Global Mission: A Missionary Look at the Book of Acts*: Life Publishers International USA.
- Miller, Tracy, 2012, *The Global Religious Landscape: Christianity*, Pew Research Center's Forum on Religion & Public Life, Washington, D.C.